

سهروردی
احیاگر حکمت اشراقی

■ نوشته

نجفقلی حبیبی

www.ketab.ir



ب. حاسبه	حبیبی، نجفقلی، ۱۳۲۰ -
عنوان: هم پدیدآور	سهروردی احیاگر حکمت اشراقی/ نوشته نجفقلی حبیبی.
ملاحظات نشر	تهران: انتشارات وایا، ۱۳۹۶.
ملاحظات ظاهر	۲۵۲ ص.
فروبر	وایا: ۳۵، مشاهیر: ۵.
شابک	۲۷۰۰۰۰ ریال: ۱۴-۸-۸۴۳-۶۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	نشا
موضوع	سهروردی، یحیی بن حبش، ۵۸۷؟-۵۴۹ ق. - نقد و تفسیر
موضوع	اشراق (فلسفه)
موضوع	Enqiyal
رده بندی کنگره	BR ۳۳۰۳۳۰۳ ۱۳۹۶
رده بندی دیویی	۱/۱۸۰۰
شماره کتابشناسی ملی	۴۰۴۴۳۱

■ عنوان: سهروردی احیاگر حکمت اشراقی

- نوشته: نجفقلی حبیبی
- طراح جلد: حسن کریم زاده
- مدیر فنی و ناظر چاپ: انوشه صادقی زاده
- صفحه آرا: رضا علی محمدی
- ناشر: وایا
- شابک: ۹۷۸-۶۰-۸۴۳-۱۴-۸
- نوبت چاپ: اول / خزان ۱۳۹۶
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- بها: ۲۷۰۰۰۰ ریال
- آدرس الکترونیکی: vaya.pub@gmail.com

■ فهرست مطالب ◆

پیشگفتار / ۱۳

مقدمه / ۱۵

بخش اول - شرح حال و آثار نظام فکری و حدود تاثیر / ۲

فصل اول - سهرورد و مشاهیر آن / ۲۳

۱. سهرورد / ۲۳

۲. مشاهیر سهرورد / ۲۴

فصل دوم - زندگی او / ۲۵

۱. نام و القاب / ۲۵

۲. تولد / ۲۶

۳. تحصیلات و اساتید / ۲۶

۴. مسافرتها / ۲۷

۵. در حلب / ۲۷
۶. محاکمه / ۲۸
۷. فرمان قتل / ۲۸
۸. قتل و کیفیت آن / ۲۹
۹. تاریخ قتل و مدت عمر او / ۲۹
۱۰. علت قتل / ۳۰
۱۱. آرامگاه او / ۳۱
۱۲. کیفر مسببین قتل / ۳۱
۱۳. دوستان او و کسانی که درباره او اظهار نظر کرده‌اند / ۳۱
۱۴. دو عکس العمل متضاد / ۳۲
۱۵. خ. عیبات اخلاقی / ۳۳
۱۶. صحاب. شاگردان سهروردی / ۳۴
۱۷. م. ای. لمی او / ۳۵
- فصل سوم - محیط سیاسی و اجتماعی و علمی سهروردی / ۳۹
 - الف. محیط سیاسی و اجتماعی / ۳۹
 - ب. محیط علمی او / ۴۰
- فصل چهارم - آثار و تألیفات / ۴۱
- فصل پنجم - نظام فلسفی سهروردی (= حکمت اشراق) / ۵۱
- فصل ششم - تأثیر سهروردی از دیگران و تأثیر او در فلاسفه بعد / ۶۷
 - الف. تأثیر او از دیگران / ۶۷
 - ب. تأثیر او در دیگران / ۷۰
 - تأثیر سهروردی در پیروان آذرکیوان / ۷۱
- فصل هفتم - شخصیت‌های فلسفی و دینی در آثار سهروردی / ۷۳
 - الف. قبل از اسلام / ۷۳
 ۱. غیر ایرانیان / ۷۳
 ۲. ایرانیان / ۷۴
 - ب. بعد از اسلام / ۷۵
 ۱. فلاسفه / ۷۵

۲. بزرگان دینی و اهل عرفان و تصوف / ۷۶

فصل هشتم - منابع فکری / ۷۷

الف. حدود بهره‌گیری شیخ اشراق از عقاید و اندیشه‌های ایران قبل از اسلام / ۷۷

ب. حکمت هندی / ۸۸

ج. حکمای یونانی تا افلاطون در فلسفه سهروردی / ۸۹

هرمس / ۹۲

د. حدود بهره‌گیری سهروردی از نوافلاطونیان / ۹۳

ه. آیات قرآنی در توجیه آرای فلسفی از نظر سهروردی / ۹۹

بخش دوم - آرای خاص سهروردی در فلسفه الهی / ۱۱۳

گفتار اول - موارد اختلافات سهروردی با مشائیان / ۱۱۵

فصل اول - مقولات / ۱۱۵

فصل دوم - جسم، بویا، صورت، صور نوعیه / ۱۲۱

نظر سهروردی درباره صور نوعیه / ۱۲۹

فصل سوم - اعتبارات عقلی / ۱۳۱

اعتباری بودن وجود / ۱۳۴

قول ابن سهلان در اعتباریت وجود / ۱۳۶

گفتار دوم - نور و نورالانوار / ۱۳۹

فصل اول - تعریف نور از نظر شیخ اشراق و رابطه آن با وجود / ۱۳۹

فصل دوم - منور، مبنای فلسفه سهروردی / ۱۴۲

۱. تقسیم شی به نور و غیرنور / ۱۴۳

۲. نور و ظلمت در فلسفه سهروردی / ۱۴۵

نظر قطب‌الدین شیرازی در توجیه نور و ظلمت / ۱۴۸

فصل سوم - موارد اطلاق نور / ۱۵۱

فصل چهارم - حقیقت انوار مجرد، یکی است / ۱۵۵

فصل پنجم - خصوصیات نور مجرد / ۱۵۷

فصل ششم - اثبات نورالانوار (واجب‌الوجود) و وحدت و صفات او / ۱۶۱

الف. اثبات نورالانوار (= واجب‌الوجود) / ۱۶۱

واجب الوجود (= نور الانوار) نَد و ضد ندارد / ۱۶۸

عدم بر واجب روا نیست / ۱۶۸

ب. نور الانوار (= واجب الوجود) یکی است / ۱۶۹

ج. صفات نور الانوار / ۱۷۱

فصل هفتم - علم و ادراک و علم واجب الوجود / ۱۷۵

علم نور الانوار / ۱۷۷

فصل هشتم - انوار قاهره / ۱۸۱

فصل اول - صدور کثرت و کیفیت آن (= ترتیب هستی) / ۱۸۱

فصل دوم - ارباب انواع (= مثل) / ۱۹۵

گفتار نهم - عالم اجسام / ۲۰۳

فصل اول - زلیت فعل انوار و قدم عالم - افلاک و حرکات آنها / ۲۰۳

فصل دوم - تقسیم برآخ - مبدأ حرکات - مزاج / ۲۰۹

گفتار پنجم - نفس (نور = منتهی) / ۲۱۵

فصل اول - «نور مدنی (= نفس انسانی)» / ۲۱۵

۱. رب النوع / ۲۱۵

۲. نفس و حدوثش / ۲۱۶

۳. هر یک از صفات نفس، در بدن پیری دارد / ۲۱۷

۴. روح حیوانی / ۲۱۸

فصل دوم - قوای ظاهری و باطنی نفس / ۲۱۹

۱. مسموعات و صوت / ۲۲۰

۲. دیدن (= ابصار و رؤیت) / ۲۲۱

۳. حواس باطنی / ۲۲۳

۴. حقیقت صور خیالی و مرایا / ۲۲۵

۵. تنظیر مثل خیالی با عالم انوار / ۲۲۵

۶. اشراق حضوری نفس و رؤیت نور الانوار / ۲۲۶

فصل سوم - عالم مثال و صور معلق / ۲۲۷

فصل چهارم - احوال سالکان (لذت و آلم - انواع انوار اشراقی بر حکیم متأله) / ۲۳۱

۱. لذت و آلم / ۲۳۱

۲. اسباب اطلاع بر امور غیبی و انواع آن / ۲۳۲
۳. انواع انواری که بر اخوان تجرید اشراق می‌شود / ۲۳۲
۴. خُزّه و کیان خُزّه (قز - قز کیانی) / ۲۳۵
- فصل پنجم - نفس پس از مرگ / ۲۳۷
۱. نفس فناپذیر نیست / ۲۳۷
۲. جایگاه نفوس پس از مرگ / ۲۳۸

نتیجه / ۲۴۰
پهرس / مأخذ / ۲۴۳

پیشگفتار

اثر حاضر، متن رساله دکتری این بزرگوار است که در ۱۳۵۶ش زیر نظر اساتید بزرگواری که نامشان زینت‌بخش آغاز رساله است، در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران دفاع شده است. هیچ تصمیمی بر انتشار آن نداشتم، اما فاضل مکرم، جناب آقای علی اوجبی، به اصرار با پذیرش تمامی مسئولیت آن مرا یاری قبول کرد. از ایشان خواهش کردم که موافقت کنند متن همان‌گونه که تحویل دانشکده و در دسترس اساتید از آن دفاع شده است، بدون حتی یک کلمه کم یا زیاد منتشر شود که پذیرفتند البته در ادامه عنوان اثر با پیشنهاد ایشان از «شیخ اشراق و آرای خاص او در فلسفه الهی» به «سهروردی، احیاگر حکمت اشراقی» تغییر یافت.

این رساله با همان وضعیت اصلی، در واقع بیانگر ظرفیت علمی و منابع و روش‌ها در مورد شیخ اشراق در آن زمان بوده است؛ و البته خوانندگان معظم توجه دارند که به لحاظ محدودیت دسترسی به منابع، آن روزها این تحقیق با زحمت بسیار تدارک شد. از آن زمان تاکنون، علاوه بر انتشار بسیاری از آثار خود سهروردی و آثار کسانی که در حوزه فکری او بوده‌اند، تحقیقات و پایان‌نامه‌های بسیاری در داخل و خارج کشور نوشته شده و سمینارهای علمی در باره او برگزار شده است. از جمله توسط خود این بنده، رساله‌های

کلمة التصوف، متن عربی الألواح العمدیة و اللوحات ابتدا با عنوان سه رساله از شیخ اشراق و بعدها با عنوان مجموعه چهارم مصنفات شیخ اشراق که مکرر چاپ شده است. متن کامل التلویحات اللوحیة و العرشیة (در یک جلد)، شرح التلویحات اللوحیة و العرشیة ابن کمونه (در سه جلد)، شرح حکمة الإشراق قطب الدین شیرازی با تعلیقات ملاصدرا بر الهیات آن در (سه جلد)، طبیعیات المشارع در (یک جلد)، رسالة الأبراج یا رسالة ذوقیه، (به علاوه راهنمایی ده رساله کارشناسی ارشد برای شرح رساله ذوقیه سهروردی، اثر شیخ علی مصنفک)، شرح تلویحات سهروردی در دو جلد (در دست تصحیح)، و چندین مقاله و سخنرانی.

دزم به ذکر است که از میان استادان ارجمند من، استاد دکتر مهدی حائری رضوان الله تعالی علیه رساله را تا این زمان با اشت مطالعه کردند و در چندین مورد در حواشی آن با خط خودشان یادداشتها و عالمان و محققان نوشتند. اکنون که پس از چهل سال قرار است رساله چاپ شود، تمامی آن یادداشتها را برآوردیم و آن کم و کاست در جای خود در پاورقی آورده ایم. این یادداشتها به لحاظ علمی بسیار ارزشمند است و برای محققان اندیشه سهروردی بسیار مفید است.

نجفقلی حبیبی

عضو هیئت علمی بازنشسته، فلسفه و کلام اسلامی

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

تهران ۱۲ مرداد ۱۳۹۶ / مطابق ۱۰ ذی القعدة ۱۴۳۸ ق.

سال روز میلاد امام علی بن موسی الرضا (ع)

مقدمه

انگیزه شناخت بیشتر حرمین مقدس، شیخ شهاب‌الدین سهروردی که پس از مرگش تاکنون یکی از قطبهای اصلی حکمت اسلامی بوده است، نگارنده را که دانشجوی رشته تخصصی حکمت اشراق بوده‌ام، بر آن داشت تا با موضوع «شیخ اشراق و آرای خاص او در فلسفه الهی» به عنوان پایان‌نامه تحصیلی دوره دکتری مجالی بیشتر برای تحقیق در این زمینه برای خود به وجود آورم. و اینکه خدای را ستایم که در نتیجه ماهها پرتلاش در کتابخانه‌های مختلف و خوردن گرد و خاک کتب خطی، رساله حاضر را با نواقصی که نه از تقصیر است، به محضر اساتید تقدیم می‌دارد.

درباره پیشوای حکمت اشراق اسلامی، در قرن حاضر میلادی، تحقیقات وسیعی از سوی محققان اسلامی و خاورشناسان بزرگ انجام شده است. از جمله، اشپیس، جان دوس، دیتز، لویی ماسینیون، هنری کربن، علامه اقبال لاهوری، دکتر مصطفی محمود حلمی، دکتر محمد معین، و دکتر سیدحسین نصر، مساعی ارزشمندی داشته‌اند. این اعظام، به مقتضای مجال خاص، هر یک در جهتی به ترسیم خطوط عمده فکری فیلسوف، بسنده کرده‌اند که در حد خود بسیار پراچ است. با توجه به این نکته است که رساله حاضر، باز نوشته یا دوباره‌کاری تلقی نخواهد شد. زیرا از یک سوی، جامع اطراف و اشتات است و از سوی دیگر، با توجه

به جزئیات و دقایق مسائل و طرق استدلال، بخصوص در بخش دوم، شناخت بیشتری از این حکیم که عنوان «شیخ اشراق» مبتن بر پایگاه بلند اوست، عرضه می‌کند.

با توجه به موضوع «شیخ اشراق و آراء خاص او در فلسفه الهی»، رساله در دو بخش عمده تنظیم یافته است. در بخش نخست «شیخ اشراق» - بدان مفهومی که در تاریخ فلاسفه آورده می‌شود - معرفی شده است؛ یعنی زندگی، محیط، آثار، منابع فکری و حدود تأثیر و تأثیرش، با توجه به کتب تراجم و آثار خود او، تبیین و توجیه شده است و مسائل بسیاری در جوانب مختلف زندگی مادی و حیات عقلانی این حکیم روشن شده است. با وجود این، بحث مستقلاً لازم است که مجدداً بررسی و ارزیابی شود؛ یکی حدود تأثیر سهروردی بر فلاسفه و سایر فیلسوفان دوره صفویه؛ دیگر مقایسه‌ای بین آرای او و حکمای اشراقی غرب و دیگر میراث حکمت در هند که در دوره صفویه تحولاتی یافته است و حدود و منابع آگاهی از این آراء از عرفان ایرانی که سهروردی او را وارث آن دانسته است و رابطه سهروردی با او و پیوسته‌ها. و نیز منابع فکری که در این رساله راه‌گشایی‌هایی شده است. در بخش دوم، در نظم مطالب، تا حدودی از حکمة‌الاشراق پیروی شده است. یعنی ابتدا مواردی از اختلافات او با اهل بیان و بعد، آوار و اجسام و نفس و پایان کار آدمی، به ترتیب بحث می‌شوند. در حقیقت تنظیم موضوعات به این ترتیب، مبتن بر نظم عینی هستی از دیدگاه این فیلسوف است؛ یعنی سیر نزولی و صعودی که «إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ».

منابع فکری شیخ اشراق که در بخش اول آمده است، بحث مفصلی است که نیازمند یک رساله تحقیقی مستقلی است و آنچه در این رساله آمده است، جنبه استطرادی داشته است و به این جهت ضمن اینکه راه‌گشای تحقیق در این زمینه است، امید است که نارسایی آن مورد اعتراض نباشد.

ذکر جزئیات آرای نوافلاطونی که در فلسفه سهروردی و تا حدودی ابن سینا مورد استفاده قرار گرفته و همچنین جمیع آیاتی از قرآن که سهروردی و گاهی فیلسوفان قبل از او، از آنها به عنوان مؤید نظریات فلسفی استفاده کرده‌اند، و چند مورد دیگر، از اختصاصات این رساله در این بخش است.

در بخش دوم «آرای خاص سهروردی در فلسفه الهی» بررسی شده است. در این مورد

تاکنون تحقیق مبسوطی نشده است و این رساله، نخستین، در انجام چنین تحقیقی است؛ و نگارنده، نسبت به نارسائیهای آن، از اساتید فاضل، متوقع اغماض و ارشاد است. شیوهٔ عمل چنین بوده است که همهٔ آنچه در آثار مختلف سهروردی آمده، استخراج و با آرای متقدمین فلسفهٔ اسلامی و تا حدودی دیگران، مقایسه شده و نظریات خاص او مشخص گردیده است؛ و بیشترین توجه به ابن‌سینا و پیروانش بوده است که سهروردی مکرراً گفتارشان را بدون نقل مأخذ ذکر و قذح کرده است و یکی از مهمترین کوششهایی که در این رساله انجام شده، مشخص کردن آن مأخذ بوده است.

منذور از «رای نانی» در این رساله، نظریاتی است که شیخ اشراق اتخاذ کرده است؛ اعم از اینکه کسی بیل انشاء نداشته یا به گونه‌ای دیگر بوده یا نحوهٔ استدلال و توجیه او متفاوت است و یا به ادل نظر از دیگران است و او مستدل ساخته است.

مروری بر مطالب بخش دوم

در فصل اول، ضمن بیان مواد اختلاف سهروردی با مشائیان، روشن شده است که او مقولات را به پنج قسم کرده - جوهر، کمیت، ساقفه و حرکت - و تا حدودی تحت تأثیر ابن‌سہلان بوده است. در فصل مربوط به جسم، روشن شده است که سهروردی در انکار ترکیب جسم از هیولا و صورت و برابر دانستن جسم و ملک به مقدار مطلق، برخلاف مشهور حتی در نحوهٔ استدلال، تابع ابوالبرکات بغدادی است. در قسمت اعتبارات عقلی، ضمن مطالب مربوط به اعتباری‌بودن وحدت، امکان، شیئیت، وجود و وحدت موضوع دیگر، این مطلب عنوان شده است که سهروردی در قول به اعتباری‌بودن وجود، از ابن‌سہلان ساوی متأثر است.

در مباحث مربوط به نور که مبنای فلسفهٔ سهروردی است، نظر سهروردی، تعریف نور با گفتار امام محمدغزالی منطبق شده و در مورد اینکه آیا نور همان وجود است یا نه، نظر سهروردی و شارحان حکمة‌الإشراق و مآخذرا بیان شده است.

در فلسفهٔ سهروردی، شیء به نور و نه - نور تقسیم شده و نور و ظلمت در فلسفهٔ شیخ اشراق توجیه شده و نادرستی نظر یکی از نویسندگان معاصر که ظلمت را در فلسفهٔ سهروردی، امر وجودی دانسته و نظر قطب‌الدین شیرازی که نور را قائم مقام «واجب» و

ظلمت را قائم مقام «ممکن» پنداشته، روشن شده است.

در فصول بعد، ضمن اشاره به اطلاقات متعدّد «نور»، حدود تأثیر سهروردی از دیگران بیان شده و در ضمن بیان اینکه انوار دارای درجات مختلف‌اند، به وحدت حقیقت آنها و اینکه اختلافشان ذاتی نیست بلکه به کمال و نقص است، اشاره شده و پس از آن به خصوصیات نور محض که قائم به ذات و حی و فعال و خودآگاه است، اشاره شده و بعد در فصول پس از آن، دلیلهای اثبات نورالأنوار (= واجب‌الوجود) که بر اثبات نیازمندی موجودات به بنی‌نازیه غنی مطلق و بطلان تسلسل و لزوم تنهایی در امور مجتمع مرتّب بر یکدیگر، مبنی است. با چند اشکال و پاسخ، و مباحث مربوط به صفات نورالأنوار و مسئله تعدّد جویات قائم و قابل در صورت وجوب صفات متمایز از ذات، روشن شده است. در مورد علم و راک و علم واجب، نظر شیخ اشراق، بر کیفیت خودآگاهی نفس، مبتنی است که به صورت حضور اشراقی است.

در مبحث صفات کثرت قاعدة امکان اشرف و کیفیت صدور کثرات و تعدّد عقول (= انوار قاهره) و سیر آنها در دو سلسله طولی و عرضی و اشاره به تردید در سخن شیخ اشراق در مورد اینکه آیا افلاک با انوار قاهره مادی، متارن صدور یافته‌اند یا پس از آنها و چند مسئله دیگر، عنوان شده است.

در مطلب ارباب انواع (= انوار قاهره عرضی) با مثل افلاطونی، ضمن اشاره به ادله اثبات آنها، حدود توانایی آنها در تأثیر بر موجودات مادی و غیر، «طباع تام» که آیا «من آسمانی» هر کس است یا رب النوع انسانی است، بحث شده است.

در مباحث مربوط به جهان ماده، حرکات دائمی افلاک را به سبب تشبیه به معشوقات عقلی نمی‌دانند، بلکه براساس دریافت اشراقات انوار، توجیه می‌نهند. جهان مادی افلاک که مبدأ فعل و انفعالات زمینی است، خود تابع عالم انوار است و چون یغبار غمره اند همه مناسبات عقلی و نوری را به فعلیت رسانند، در طول دوره‌ها آنها را تحصیل می‌بخشد. افلاک که زنده‌اند، بینا و شنوا و بویا هستند و البته همه اینها در افلاک یکی است. او مثل فیثاغورس برای افلاک، اصوات و نغمات قائل است. خورشید نیز در فلسفه او (با تأثر از ایران باستان) اهمیت خاص دارد.

در فلسفه سهروردی، اجسام فارد (= بسیط) سه قسم‌اند: حاجر، لطیف و مقتصد. (این اصطلاحات به جای خاک و باد و هوا به کار رفته‌اند.) آتش یک عنصر مستقل نیست، بلکه هوای گرم است؛ با وجود این، سهروردی آن را خلیفه صغرای الهی در زمین دانسته است. عنصر حاجر بر مرکبات غلبه دارد و رب النوع آن به اصطلاح ایرانیان باستان «اسفندارمذ» ضمن عنایت خاص به زمین، نسبت به سایر ارباب انواع جنبه کدبانویی و انفعال دارد.

می‌دیدهای عالم ماده، ناشی از حرکت و حرارتند و آن دو نیز از نور؛ و به این ترتیب کلیه حوادث عالم از نور است و حتی طبیعت نیز که به نظر مشائیان مبدأ حرکت اجسام است، از نظر انوار است. در این حکمت، صور نوعیه مشائیان مردود است و به جای آنها به مزاج، اتم و قوه اعاده داده شده.

در مورد نفس که آن را «نور مدبر» می‌خواند، معتقد است که فیض رب النوع انسانی است و او را صفاتی است و همه آنها در تن نظیری دارند. نفس با نور، مناسبت و سنخیت تامی دارد و تمایل به روشنائی در انسان و بیوان بدین سبب است. ضمن بیان قوای ظاهری نفس، صوت را امری بسیط و غیر قابل تعریف می‌داند و در مورد سایر محسوسات نیز که فطری می‌شمارد، همین نظر را دارد. در مورد دیدن می‌گوید: به انطباع صور در جلیدیه نیست، بلکه پس از مقابله، با اشراق حضوری نفس، زینت حاصل می‌شود. در مورد قوای باطنی، حس مشترک را پذیرفته و قوای واهمه و خیره و غیله را یکی می‌شمارد و منکر وجود قوه حافظه و ذاکره است. در عین حال، وجود قوه‌ای را که اعداد تذکر و اعاده صور از عالم افلاک به آن مربوط باشد، محتمل می‌شمارد.

سهروردی برخلاف سایر حکمای اسلامی قبل از خود، به چهار عالم قائل است: انوار قاهره، انوار مدبر، اجسام، و عالم مثال. منظور او از عالم مثال، جهانی است حوسه بین آمده و نور که موجودات آن صور قائم به ذات‌اند. او با اثبات عالم مثال، بهشت و جهنم و بسیاری از خوارق عادات و چندین مسئله دیگر را حل و توجیه کرده است.

او با ابتدای حکمت خود بر نور، معتقد است که بر اثر مجاهدات و ریاضات و کمالات علمی، انواری بر شخص اشراق می‌شود که تسلط او را بر دلها و جهان ماده می‌سازد. او «فر» ایرانی را نیز براساس انوار، توجیه و تأیید می‌کند.

وی نفس را پس از مرگ تن، باقی می‌داند و در این مورد استدلال تازه‌ای آورده است. به نظر او نفوس پاکان عالی‌رتبه به جهان انوار خواهد رفت و نفوس متوسّطان در افلاک جای خواهد گرفت و نفوس اشقیا در قالبهای مثالی معذب خواهند بود.